



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

Critism of Legal Jurisprudence on Abortion in the Law on Family and Youth Protection Approved in 2021

Mojgan Rozbahani^{1*}, Amir Vatani¹

1. Department of Criminal Law, Faculty of Law and Political Sciences, Kharazmi University, Karaj, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Abortion is prohibited in Iranian law and Islamic sharia and it is morally reprehensible but in exceptional cases it is allowed under secondary headings from sharis point of view and according to a secondary ruling the family and youth protection law is incomplete in stating these permitted cases and in some cases it has not considered the natural and religious rights of the parents and the fetus Therefore it has provided asuitable platform for illegal and secret abortion. This article was written with the aim of amending the law.

Method: This research is an interdisciplinary research that has been obtained by collecting data in a library method and by inference from original jurisprudential legal and medical sources of information and evaluated with a descriptive - analytical approach.

Ethical Considerations: This article is fully committed to the principles of ethics, honesty, privacy rights and the principle of tangible-intellectual property. The aspects of library studies, including textual authenticity, honesty and trustworthiness, have been observed.

Results: From a jurisprudential perspective, in cases where the mother's life is endangered by the continuation of the fetus, it is permissible both before and after the ensoulment. In a case where the mother's health is endangered by the continuation of the fetus, it falls under the purview of paragraph C of the aforementioned article before ensoulment and abortion is permissible. After ensoulment, the evidence that indicates the permissibility of legitimate defense, by extension and a fortiori, includes this case. The abortion of a retarded or malformed fetus before ensoulment falls under the category of hardship (haraj) and is covered by paragraph C of the aforementioned article and abortion is permissible. After ensoulment, since the diagnosis of malformation is a new matter, it is an exception to the generality of the narrations and abortion is permissible. In cases of abortion resulting from rape, it is permissible before ensoulment but not permissible after ensoulment.

Conclusion: The findings indicate that the mentioned law is not innovative in relation to abortion and only Summarizes the previous laws hence the problems and dilemmas regarding cases where the age of the fetus is more than 4 months and the life or health of the child is born with a defective nature and it is the result of fornication it still remains and for this reason it must be corrected.

Keywords: Family and Youth Protection Law; Abortion; Embarrassment Legitimate Defense

Corresponding Author: Mojgan Rozbahani; **Email:** rozbahanimojgan303@gmail.com

Received: November 14, 2023; **Accepted:** July 30, 2024; **Published Online:** November 18, 2025

Please cite this article as:

Rozbahani M, Vatani A. Critism of Legal Jurisprudence on Abortion in the Law on Family and Youth Protection Approved in 2021. Medical Law Journal. 2025; 19: e16.



نقد و بررسی فقهی حقوقی سقط جنین در ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰

مژگان روزبهانی^{۱*}، امیر وطنی^۱

۱. گروه آموزشی حقوق جزا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، در زمان ولوج روح و نشانه‌های ولوج روح و در واژه حرج، ابهام وجود دارد که این ابهام اخیر از اختلاف نظر فقها در واژه حرج نشأت گرفته است. ماده مذکور در بیان موارد مجاز سقط جنین ناقص بوده و در پاره‌ای موارد حقوق فطری و شرعی والدین و جنین را نادیده گرفته، از این رو بستری برای انجام سقط‌های غیر قانونی و زیرزمینی فراهم شده است، مقاله حاضر با هدف اصلاح و تکامل این ماده قانونی به نگارش درآمده است.

روش: تحقیق حاضر با گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و با استقضا از منابع اصیل فقهی حقوقی و پزشکی اطلاعات به دست آمده را با رویکرد توصیفی - تحلیلی ارزیابی نموده است.

ملاحظات اخلاقی: این مقاله کاملاً به اصول اخلاقی، صداقت، رعایت حقوق رازداری و اصل مالکیت مادی - معنوی پایبند بوده است و جنبه‌های مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از این است که ماده مذکور در ارتباط با سقط جنین نوآوری نداشته و تنها به جمع‌بندی قوانین گذشته پرداخته و از این رو معضلات در خصوص مواردی که سن جنین بیش از ۴ ماه است و جان یا سلامتی مادر در صورت بقا جنین در خطر است و یا مولود آینده ناقص‌الخلقه متولد شده و یا نتیجه زنا به عنف است، همچنان باقی است. از این رو قانون مذکور باید مورد اصلاح قرار گیرد. با توجه به ابهام واژه حرج، واگذار نمودن تفسیر آن به قضات موجب صدور آرای متعارض از ناحیه آن‌ها و اعمال نظر شخصی و تضییع حقوق افراد می‌گردد، لذا ضرورت دارد، تشکلی از فقها و حقوقدانان تشکیل و نسبت به تعیین مصادیق حرج اقدام به عمل آورند تا از هرگونه تفسیر نادرست ممانعت به عمل آید.

نتیجه‌گیری: از نظر فقهی در مواردی که جان مادر با بقای جنین در خطر است، پیش از ولوج روح و پس از ولوج روح جایز است، در موردی که سلامت مادر با بقای جنین در خطر باشد، پیش از ولوج روح مصداق بند «ج» ماده مذکور و سقط جایز است و بعد از ولوج روح ادله‌ای که دلالت بر جواز دفاع مشروع دارد، با الغای خصوصیت به طریق اولی شامل مورد می‌شود. سقط عقب‌افتاده و ناقص‌الخلقه قبل از ولوج روح مصداق حرج و مشمول بند «ج» ماده مذکور است و سقط جایز است و بعد از ولوج روح چون تشخیص ناقص‌الخلقه امری مستحدث است، منصرف از عموم روایات است و سقط جایز است و در سقط ناشی از تجاوز به عنف قبل از ولوج روح جایز بعد از ولوج روح جایز نیست.

واژگان کلیدی: قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت؛ سقط جنین؛ حرج؛ دفاع مشروع

نویسنده مسئول: مژگان روزبهانی؛ پست الکترونیک: rozbahanimojgan303@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۲۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Rozbahani M, Vatani A. Critism of Legal Jurisprudence on Abortion in the Law on Family and Youth Protection Approved in 2021. Medical Law Journal. 2025; 19: e16.

مقدمه

اولین بار سقط درمانی در ماده واحده‌ای به نام قانون سقط درمانی در سال ۱۳۸۴ تصویب شد که با تصویب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۰ ماده واحده نسخ شد و بند «ج» ماده ۵۶ قانون جایگزین آن شد، با عنایت به اینکه جمعیت ایران به سمت کهنسالی حرکت می‌کند، قانونگذار در این قانون با تکیه بر مبانی و متون فقهی و شرعی تنها و با هدف افزایش جمعیت تدابیری را در این خصوص اندیشیده است که فرایند صدور مجوز سقط درمانی را سخت نموده و موجب کاهش آمار سقط درمانی و افزایش سقط‌های غیر قانونی شده است که به دلیل غیر قانونی بودن به طور پنهانی و مخفیانه انجام می‌گیرد و به جهت اینکه خودشان موجبات سقط را فراهم می‌کنند، شاکی خصوصی ندارد و کشف آن به ندرت اتفاق می‌افتد و به دلیل اینکه در مکان‌های غیر بهداشتی و بدون رعایت ضوابط بهداشتی و توسط افراد سوداگر و غیر متخصص و با هزینه گزاف در کشور انجام می‌گردد، در پاره‌ای از موارد مرگ مادر را نیز به همراه داشته و یا عملیات سقط موفقیت‌آمیز نبوده و داروهای مصرفی و دستکاری در رحم به مادر یا جنین آسیب رسانده و جنینی ناقص متولد می‌شود. بخش اعظم سقط‌ها به دلیل ناهنجاری‌های اجتماعی رخ می‌دهد و وظایف دولت در این عرصه قابل توجه بوده و می‌تواند با ریشه‌یابی فقر، موجبات رشد اقتصادی را فراهم و با ایجاد اشتغال، حل مسأله بیکاری و رفع موانع ازدواج، با ناهنجاری مقابله کند و قوانین به گونه‌ای تدوین شود که مانع سقط جنین مجاز، طبی و مشروع نشود. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر ناشی از آن است که ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در مورد ممنوعیت از سقط جنین بحث می‌کند و با حیات جنین و سلامت جسمانی و روانی مادر و اخلاق عمومی ارتباط دارد و بی‌مبالاتی و غفلت در وضع قوانین و تفاوت‌های هرچند جزئی در آن می‌تواند به نتایج بزرگ و جبران‌ناپذیری منجر شود، لذا به همین علت در خصوص سقط جنین پژوهش‌هایی انجام شده است که در اینجا به اختصار مهم‌ترین آن‌ها بیان می‌شود:

۱. پیشینه تحقیق: آمنه مظلوم‌زاده در مقاله «رسی تراحم حیات و سلامت مادر و جنین از منظر فقه و قانون حمایت خانواده و جوانی جمعیت» معتقد است که قانون جوانی جمعیت عملاً شرایط سقط جنین در صورت تراحم سلامت مادر با جنین را محدود به موارد کشنده بیماری‌ها کرده و موارد با درمان بسیار سخت را که نوعاً موجب حرج هستند، حذف کرده است.

الیه طاهربخت و مریم‌السادات محقق داماد در مقاله «چالش‌های فقهی - حقوقی سقط درمانی در پرتو قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» عنوان می‌کند باتوجه به نظرات متفاوت فقها و حقوق‌دانان برای تعیین زمان مشخص برای ولوج روح امکان واگذاری و صدور جواز و عدم جواز سقط درمانی به قضات وجود ندارد و باید با همکاری توأمان فقها و حقوق‌دانان در خصوص معیار ولوج روح تصمیم صحیح صورت گیرد.

دل‌آرا مقدسیان و همکاران در مقاله «سقط جنین از منظر پزشکی، فقه و حقوق کیفری در پرتو سلامت مادر» معتقد است که در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت شرایط سقط جنین با محدودیت‌هایی مواجه شده و مواردی چون حرج مادر باید از سوی قاضی تعیین شود و درخواست حرج مادر کفایت نمی‌کند.

دل‌آرا مقدسیان و احمد شجاعی و محمدحسین صائینی در مقاله «سقط جنین از منظر فقه و حقوق در پرتو قاعده عسر و حرج» معتقد است که در حقوق ایران با تصویب قانون حمایت از جوانی جمعیت توسل به قاعده لا حرج، در جواز سقط جنین به خاطر نقص جنین و خطر سلامتی مادر، بسیار دشوار شده است و به این نتیجه رسیده که قانون‌گذار تفسیر موسع‌تری از قاعده عسر و حرج داشته و مانع از تولد نوزادان معلولی شود که شرایط بسیار دشواری برای والدین ایجاد می‌کنند. همچنین نسبت به دشواری‌هایی که سلامتی مادر را تهدید می‌کند، رویکرد واقع‌نگران‌تری اتخاذ گردد، به نحوی که این امر تحت تأثیر سیاست‌های افزایش جمعیت کاملاً محدود نگردد.

محمد مهدی برغی و محسن راستی در مقاله «واکاوی سیاست کیفری قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب سال ۱۴۰۰» راجع به سقط جنین جنایی و جرائم مرتبط با آن، به این یافته‌ها رسیده که در این قانون تغییرات مهمی به وجود آمده، از جمله تغییرات می‌توان به تشدید مجازات مرتکبین این جرائم و تعیین عناوین مجرمانه جدید در این حوزه اشاره کرد. قانون‌گذار ایران در جدیدترین سیاست کیفری خود در مواجهه با سقط جنین جنایی و جرائم مرتبط با آن، رویکرد سخت‌گیرانه‌تری در پیش گرفته است.

محمدباقر مقدسی، یاسر غلامی و بابک سلحشور در مقاله «رویکرد قضایی به سقط درمانی: نگاهی به ضوابط سقط درمانی در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، اعلام می‌دارد قانون‌گذار در این قانون در کنار سازوکار تشویقی، تدابیر تنبیهی نیز اتخاذ کرده است. نگاهی به ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نشان می‌دهد قانون‌گذار تلاش کرده از طریق جایگزینی رویکرد قضایی به جای رویکرد پزشکی، موارد سقط درمانی را کاهش دهد. جلوه‌های این رویکرد در فرایند رسیدگی به مجوز سقط درمانی، تغییر در ساختار رسیدگی به درخواست مجوز و نیز تشدید تدابیر کیفری مشاهده و همچنین تغییراتی در ضوابط صدور مجوز ایجاد کرده است و نویسندگان بر این باورند که سقط درمانی پیش از آنکه موضوعی قضایی باشد، موضوعی پزشکی است و هرگونه تغییر در این حوزه باید بادقت و مشاوره با متخصصان انجام پذیرد.

فریبا حکمت، عباسعلی حیدری و محمود قیوم‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «حکم سقط جنین در مورد تجاوز به عنف بر اساس قاعده نفی حرج» به بررسی سقط جنین در نتیجه تجاوز به عنف پرداخته است.

باملاحظه متن پژوهش‌های فوق، این مطلب احراز می‌گردد که پژوهش‌های مذکور هیچ‌کدام راهکار درست و قابل‌قبولی برای از بین بردن ابهام از واژه حرج ارائه نداده‌اند، لذا بر این مبنا مقاله حاضر تألیف یافته و با بررسی کلیه موارد دخیل در موضوع به ویژه مبحث حرج و مصادیق آن به نقد و بررسی و

نوآوری در ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰ در خصوص سقط جنین پرداخته و کاستی‌های آن بیان و در جهت رفع آن پیشنهاداتی شده است. مقنن در ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، به طور مطلق سقط جنین را ممنوع دانسته است، منتهی در ادامه سه مورد را استثنا می‌کند:

۱- جان مادر به شکل جدی در خطر باشد و سن جنین کمتر از چهار ماه بوده و نشانه‌ها و امارات ولوج روح در جنین نباشد؛
۲- در جایی که اگر جنین سقط نشود، مادر و جنین هر دو فوت کنند و راه نجات مادر منحصر در اسقاط جنین باشد. از اطلاق عبارت قانونگذار و مقیدنبودن آن به دوره زمانی خاص برمی‌آید که این مورد اختصاص به قبل از چهار ماهگی و ولوج روح ندارد و در تمام مدت حمل قابل اعمال است، منتهی مشروط به این است که همزمان جان جنین هم در خطر باشد؛
۳- وجود حرج و مشقت شدید غیر قابل تحمل برای مادر و عدم امکان رفع آن به طریق دیگر، البته این مورد اختصاص به جایی دارد که سن جنین کمتر از چهار ماه بوده و امارات و نشانه‌های ولوج روح نیز وجود نداشته باشد.

حال بعد از ملاحظه و بررسی ماده ۵۶ و تبصره‌های آن سؤالاتی به صورت ذیل به ذهن متبادر می‌شود که نیاز به طرح و پاسخ دارد: اولاً در مواردی که جنین بیش از ۴ ماه سن دارد و جان و حیات مادر را به خطر انداخته، آیا سقط جنین جایز است؟ ؛ ثانیاً در موردی که جان مادر در خطر نیست، ولی سلامتی او در خطر است، مثلاً پزشکان گفته‌اند که با زایمان احتمال قطعی نخاع و فلج مادر قوی است، آیا سقط جایز است؟؛ ثالثاً در مورد بارداری ناشی از زنا به عنف که شخص باردار خواستار سقط جنین است با عنایت به عدم جواز سقط و اجبار به ادامه بارداری و تولد طفل آیا وی به حرج شدید نخواهد افتاد، آیا در این حالت سقط جایز نیست؟ همچنین در موردی که از طریق نامشروع و زنا (نزدیکی بدون علقه نکاح، اما با رضایت طرفین) باردار شده است، چطور؟ بارداری به دنبال زنا با محارم چطور؟ ؛ رابعاً موردی که از مستندات

پزشکی برمی‌آید که جنین ناقص‌الخلقه است، سقط آن، چه حکمی خواهد داشت؟

برای پاسخ به سؤالات فوق لازم است ابتدا با حکم اولیه اسقاط جنین در فقه امامیه و حقوق ایران و همچنین مراحل رشد جنین در شرع و سپس موارد استثنایی سقط جنین و حکم آن در فقه امامیه و حقوق ایران پرداخته شود.

روش

تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی با بررسی منابع حقوقی و فقهی به تحلیل و نتیجه‌گیری پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در مواردی که سن جنین بیش از ۴ ماه است و جان و سلامتی مادر در صورت بقای جنین در خطر است یا جنین ناقص‌الخلقه یا نتیجه زنا یا به عنف است، باید اصلاح شود و ابهام واژه حرج و تعیین مصداق آن توسط تشکلی از فقها و حقوقدانان برطرف شود.

بحث

۱. حکم اولیه سقط جنین در فقه امامیه و حقوق ایران و مراحل رشد جنین در شرع: اخراج عمدی یا خروج خود به خود حمل پیش از موعد طبیعی زایمان را سقط جنین گویند (۱). در فقه امامیه اسقاط جنین - حتی اگر از راه نامشروع و زنا ایجاد شده باشد - در هر مرحله‌ای از مراحل رشد و حیات آن، ممنوع و حرام است و مرتکب آن محکوم به پرداخت دیه و در مواردی تعزیر می‌شود، حتی برخی از فقها همچون محقق حلی در شرایع (۲) و صاحب جواهر (۳) با وجود شرایطی فتوا

به قصاص مرتکب داده‌اند، مستند ایشان موثقه اسحاق بن عمار و روایاتی است که برای جنین در مرحله علقه و پیش از آن دیه مقرر کرده است. ترجمه روایت چنین است: به امام کاظم (ع) عرض کردم، زن از بارداریش می‌ترسد و دارو می‌نوشد و آنچه در شکم دارد، می‌اندازد. امام فرمود: این کار را نباید بکند. گفتم: نطفه‌ای بیش نیست، امام (ع) فرمود: نخستین چیزی که آفریده می‌شود، نطفه است (۴). از این سخن امام (ع) حرمت سقط جنین در هر مرحله‌ای که باشد، استفاده می‌گردد. علاوه بر موثقه فوق از اخبار و روایاتی، از جمله روایت عمار ساباطی از امام صادق (ع) که بر وجوب تأخیر حد زانیه حامل تا هنگام وضع حمل دلالت دارند، فهمیده می‌شود که علت تأخیر در اجرای حد - با اینکه از ائمه (ع) رسیده که در اجرای حدود تأخیر روا نیست (۵) - لزوم حفظ حیات جنین است ولو از زنا باشد.

در حقوق کنونی ایران نیز به تبع از فقه امامیه، مقررات شرعی حاکم است، ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مقرر می‌دارد: «سقط جنین ممنوع بوده و از جرائم دارای جنبه عمومی است و مطابق مواد ۷۱۶ تا ۷۲۰ قانون مجازات اسلامی و مواد این قانون مستوجب مجازات دیه، حبس و ابطال پروانه پزشکی است.» از مطالعه ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برمی‌آید که میزان دیه مقرر در حالات مختلف جنین متفاوت است و متناسب با سن جنین افزایش پیدا می‌کند تا اینکه پس از مرحله ولوج روح (یعنی حدود ۴ ماهگی) دیه آن برابر دیه انسان متولد از مادر خواهد شد.

همان‌طور که بحث شد، در نظریات فقها در خصوص نحوه وقوع مجازات سقط جنین اختلافاتی وجود دارد. صاحب جواهر و محقق حلی بنا به قول مشهور معتقدند که جنینی که روح در آن دمیده شده، حکم انسان متولد شده را دارد و مرتکب در صورت حصول شرایطی قصاص می‌شود و آیت‌الله خویی و شیخ طوسی به دلیل عدم حصول شرایط قصاص موضوع را از شمول قتل عمد و قصاص خارج می‌دانند، قانون‌گذار با انتخاب عنوان مجرمانه خاص «سقط جنین» اعم از اینکه قبل از ولوج روح یا پس از آن باشد، این جرم را از عمومات قتل خارج نموده

است، وجود شخص زنده به عنوان رکن مهم وقوع قتل عمد شامل جنین ذی‌روح نمی‌باشد، بلکه شخص زنده به کسی اطلاق می‌شود که زنده متولد شده باشد و سپس به قتل برسد؛ این ضابطه با حقوق سایر کشورها و موازین فقهی مطابقت دارد. در مقرراتی که اختصاص به سقط جنین دارد، اشاره‌ای به مجازات قصاص نشده است، به جز ماده ۶۲۲ که ناظر به مرتکب سقط جنین نیست، بلکه اشاره به ضرب و جرح‌هایی دارد که بر اثر آزار ممکن است به مادر وارد گردد (۶).

تا اینجا با حکم اولیه و عام سقط جنین در فقه امامیه و حقوق ایران آشنا شدیم، ولی آیا این ممنوعیت مطلق است و استثنا ندارد یا در مواردی و تحت شرایط خاصی جایز است؟

۱- آیا سقط جنین در شرایط اضطراری و آنجایی که جان مادر یا سلامتی او در خطر است، جایز نیست؟

۲- آیا در آنجایی که پزشکان اظهار می‌کنند که مولود آینده ناقص‌الخلقه است، سقط جایز نیست؟

۳- آیا در آنجایی که زن معصومی مورد تجاوز به عنف قرار گرفته و باردار شده، نمی‌تواند جنین خود را سقط کند یا باید این حرج عظیم را تحمل کند و فرزند متجاوز را به دنیا آورده و بزرگ کند؟

در فقه امامیه و به تبع آن در حقوق ایران، احکام مذکور در دو مرحله قبل از ولوج روح و پس از آن متفاوت‌اند، از این‌رو برای درک این تفاوت ضروری است با مراحل رشد جنین و تغییر کیفی که در سن حدود ۴ ماهگی رخ می‌دهد، آشنا شویم. در این خصوص خداوند در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون می‌فرماید: «لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین؛ ثم جعلناه نطفه فی قرار مکین؛ ثم خلقنا النطفة علقه فخلقنا العلقه مضغة فخلقنا امضغة عظماً فکسونا العظام لحماً ثم انشأناه خلقاً آخر فتبارک الله احسن الخالقین؛ ما انسان را از عصاره و چکیده‌ای از گل آفریدیم. آنگاه او را که به صورت نطفه‌ای بود، در جایگاهی استوار قرار دادیم، آنگاه نطفه را علقه (لخته‌ای از خون بسته) گردانیدیم و سپس علقه را مضغه (پاره‌ای گوشت) گردانیدیم و سپس مضغه را به صورت استخوان درآوردیم (بافتی غضروفی) و پیرامون استخوان را از گوشت پوشانیدیم،

آنگاه او را آفرینشی دیگر بخشیدیم، مرحبا بر خدا که بهترین آفرینندگان است.» همان‌طور که روشن است، قرآن کریم مراحل رشد جنین را از زمانی که نطفه‌ای بوده بیان می‌کند تا اینکه می‌گوید: «ثم انشأناه خلقاً آخر»، یعنی آن جنین را خلقتی دیگر دادیم که معلوم می‌شود یک تغییر کیفی است و با مراحل قبلش فرق دارد، ولی این تغییر کیفی کدام است و در چه سنی رخ می‌دهد؟ باید از آیات دیگر و سنت معصومین (ع) راهنمایی گیریم.

در آیات ۷ تا ۹ سوره سجده آمده است: «وبدا خلق الانسان من طین ثم جعل نسله من سلاله من ماء مهین؛ ثم سویه ونفخ فیه من روحه وجعل لکم السمع والابصار والافئدة قليلاً ما تشکرون؛ آفرینش انسان را از خاک شروع کرد و آنگاه نسل انسان را از چکیده‌ای از آبی بی‌ارزش قرار داد، سپس او را بیاراست و از روح خود در او دمید.» از ملاحظه آیه مذکور برمی‌آید که آن تغییر کیفی یا به تعبیر قرآن انشأناه خلقاً آخر مربوط به همان دمیدن روح الهی و یا به تعبیر برخی روایات روح العقل است؛ بنابراین جنین قبل از ولوج روح دارای حیات نباتی و حیوانی است و نفس انسانی محسوب نمی‌شود و مصداق انسان نمی‌باشد، سلب حیات او قتل نیست و سلب حیات جنین سقط و اجهاض است (۷). در کتاب کافی (۸)، کلینی روایتی نقل می‌کند که در آن امیرالمؤمنین (ع) مراحل رشد جنین را بیان کرده و دیه آن را برای هر مرحله ذکر می‌کنند تا اینکه می‌فرمایند: «فاذا اکسى اللحم کانت له مئة کامله، فاذا انشاء فیه خلق آخر (وهو الروح) فهو حينئذ نفس بالف دینار کامله ان کان ذکراً و ان کان اثنی فخمس مئة دینار»، یعنی اگر از گوشت پوشیده شده باشد، صد دینار کامل دیه دارد و اگر خلقت دیگری در آن ایجاد شود (که همان روح است) او دیگر انسان است، در صورتی که مرد باشد، دیه‌اش هزار دینار است و اگر زن باشد، دیه‌اش پانصد دینار است، پس بعد از ولوج روح است که جنین نفس و انسان محسوب شده و دیه‌اش با دیه فردی که از مادر متولد شده برابر است و اگر کسی آن را بکشد، علاوه بر دیه، کفاره نیز باید بدهد. در روایت ذکر شده و بعضی روایات شیعه، به پرداخت دیه در مراحل

در اینجا لازم است با موضع‌گیری فقه امامیه و حقوق ایران در موارد استثنایی و عروض عناوین ثانویه از قبیل حرج، ضرر و ضرورت و... آشنا شویم.

۲. سقط جنین در شرایط استثنایی و حکم آن در فقه امامیه و حقوق ایران: در ارتباط با سقط جنین در موارد عارض‌شدن عناوین ثانویه و موارد استثنایی صور مختلفی قابل تصور است، در اینجا پس از ذکر این صور به بررسی فقهی و حقوقی احکام آن‌ها می‌پردازیم:

- ۱- در خطر بودن جان و حیات مادر با بقای جنین؛
 - ۲- در معرض خطر بودن سلامتی مادر با ادامه بارداری؛
 - ۳- در حرج شدید افتادن مادر در دوران بارداری یا پس از آن؛
 - ۴- تولد نوزادی عقب‌افتاده یا ناقص‌الخلقه و یا دارای بیماری غیر قابل علاج یا صعب‌العلاج؛
 - ۵- بارداری حاصل از روابط نامشروع (زنا) و تجاوز به عنف.
- در اینجا به بررسی فقهی و حقوقی هر یک از صور فوق می‌پردازیم:

۱-۲. در خطر بودن جان و حیات مادر با بقای جنین: در اینجا موضوع در دو مرحله از رشد جنین، قبل از ولوج روح و بعد از ولوج روح بررسی می‌شود:

۱-۱-۲. پیش از ولوج روح: در این مورد فقها فتوا به جواز سقط و عدم ثبوت دیه داده‌اند (۱۹). برای نمونه توجه به استفتایی که از امام خمینی صورت گرفته است، جلب می‌شود: «زنی حامله شده است و اکنون یک ماه و نیم دارد، دکترها می‌گویند حاملگی برای مادر خطر جانی دارد و موجب فلج شدن وی خواهد گشت، آیا سقط جنین برای چنین مادری جایز است؟» ایشان در پاسخ می‌فرمایند: «اگر ضرر و خطر جانی برای مادر دارد قبل از دمیده‌شدن روح در جنین اسقاط جایز است» (۲۰).

۲-۱-۲. پس از ولوج روح: در این مورد و در جایی که جان و حیات مادر با بقای جنین تعارض دارد، در جواز یا عدم جواز سقط بین فقها اختلاف وجود دارد. برخی همچون آیت‌ا... سیستمی قائل به عدم جواز سقط به طور مطلق هستند (۲۱).

مختلف سقط جنین، اشاره شده است که کثرت این روایات منجر به تواتر معنوی و اجماع فقه امامیه، بر وجوب پرداخت دیه، برای جبران خسارت ناشی از جنایت بر جنین شده است. از این طریق نمی‌توان حرمت سقط جنین را ثابت کرد، زیرا دیه را نمی‌توان جزء کیفرها به شمار آورد. گاهی ممکن است دیه واجب شود، اگرچه کار جرم و حرام نباشد، مانند کسی که قتل خطای محض مرتکب شده باشد. گاهی شخص مرتکب جنایت می‌شود، ولی دیه بر او واجب نمی‌شود، مانند کسی که کافر معاهد را می‌کشد، کار او حرام است، ولی دیه بر او واجب نیست، بنابراین تلازمی بین لزوم پرداخت دیه و حرمت وجود ندارد (۹).

اما ولوج روح در چه سنی صورت می‌گیرد؟ برخی از فقها نظرشان این است که ولوج روح در جنین انسان بعد از پایان چهارماهگی واقع می‌شود (۱۰). علامه مجلسی این قول را قول اکثر فقها دانسته و می‌افزاید که بیشتر اخبار دلالت بر آن دارند (۱۱)، شیخ انصاری می‌گوید: «برخی از روایات مربوط به دیه جنین و حدیث نبوی دلالت بر ولوج روح در چهارماهگی دارند» (۱۲). در میان فقها شیخ مفید (۱۳) و ابن براج زمان ولوج روح برای جنین را شش‌ماهگی دانسته‌اند (۱۴). مشاهدات علمی بیانگر آن است که در ماه پنجم پس از لقاح تمامی اندام‌های جنین تشکیل و حتی ابروها و موی سر نیز قابل مشاهده است. در طی این ماه معمولاً حرکات جنین توسط مادر به خوبی قابل درک است (۱۵). در کتب فقهی و روایی از این مرحله یعنی ۴/۵ یا ۵ ماهگی و محسوس شدن حرکات جنین برای مادر تعبیر به ولوج روح شده است (۱۶). برخی از فقها گفته‌اند اگر جنین قابلیت زیستن منفصل از رحم را دارا باشد، نشانه دمیدن روح است (۱۷). به گفته متخصصین قبل از هفته بیستم حاملگی (یعنی ۵ ماهگی) زمانی است که جنین به طور مستقل قابلیت زندگی پیدا می‌کند (۱۸). از فقه‌های معاصر آیت‌ا... بهشتی می‌گوید: ولوج روح قدر مسلم بر طبق روایات بعد از شش‌ماهگی است، ولی ما برای رعایت احتیاط آن را بعد از چهارماهگی در نظر می‌گیریم (۷). در حقوق ایران نیز ۴ ماهگی زمان ولوج روح در نظر گرفته شده است.

در مقابل برخی دیگر از فقها بین حالات مختلف آن تفصیل داده‌اند، در مجموع سه حالت ممکن است اتفاق بیفتد:

۱- در صورت ادامه بارداری هر دو خواهند مرد و اگر جنین سقط گردد، مادر زنده خواهد ماند؛ حضرت امام خمینی و آیت‌ا... محمد فاضل لنکرانی در این مورد سقط جنین را توسط مادر برای حفظ حیات خودش جایز دانسته‌اند؛

۲- ادامه بارداری هیچ خطری برای جنین ندارد، لکن احتمال مرگ مادر با ادامه بارداری یا زایمان می‌رود. برخی از فقها همچون آیت‌ا... ناصر مکارم شیرازی سقط جنین را در این مورد جایز نمی‌دانند (۲۲). برخی دیگر از فقهای معاصر همچون آیت‌ا... خویی و آیت‌ا... میرزا جواد تبریزی (۲۳-۲۴) سقط جنین را توسط مادر جایز می‌دانند. آیت‌ا... صانعی در این مورد می‌گویند: اگر مادر بیماری دارد که در صورت معالجه‌نمودن، باعث مرگ وی می‌شود، می‌تواند خود را معالجه نماید، ولو منجر به مرگ جنین گردد، چه پیش از دمیده‌شدن روح در جنین باشد و چه پس از آن» (۲۵)؛

۳- در صورت ادامه بارداری هر دو خواهند مرد، اما امکان نجات یکی از آن دو وجود دارد، این مورد، «تزاحم» در اصطلاح حقوق اسلامی است برخی همچون آیت‌ا... ناصر مکارم شیرازی معتقدند که سقط جنین برای حفظ جان مادر جایز نیست، در مقابل برخی دیگر همچون آیت‌ا... خویی و آیت‌ا... تبریزی بر این نظر هستند که در موارد تزاحم، مکلف مخیر است، پس سقط جنین برای حفظ جان مادر یکی از موارد تخیر است و جایز می‌باشد. در واقع در اینجا تعارض بین دو حق است و اولویت‌دادن یا فداکردن یک حق نسبت به دیگری مطرح است، حق مادر، در از بین‌بردن حمل برای حفظ و ادامه حیات خود و حق جنین برای زنده‌ماندن. بسیاری از فقها، به عدم جواز سقط حکم داده‌اند، در موارد تزاحم و پس از ولوج روح، از نظر ایشان علت عدم جواز سقط در صورت تزاحم این دو حق، یعنی حق حیات جنین و حق حیات مادر، این است که این کار ترجیح بلامرجح است و دلیلی که قوی در ترجیح باشد به نظر ایشان وجود ندارد، به همین خاطر برخی از فقهای معاصر عقیده دارند که باید امر حادث را به قضای الهی

سپرد (۲۶). متن استفتایی که در این مورد از امام خمینی صورت‌گرفته چنین است: سؤال: کورتاژ در صورتی که به تشخیص شورای پزشکی معلوم شود که آبستن‌بودن و وضع حمل برای زن خطر جانی دارد، چه صورتی دارد؟ بسمه‌تعالی: اگر خطر جانی زن در بین باشد، با اجتناب از صدمات خارجی اشکال ندارد، مگر آنکه طفل زنده باشد {منظور بعد از ولوج روح است} که نمی‌شود (۱۹).

همچنین شورای نگهبان در مورد ماده ۱۷ آیین‌نامه انتظامی پزشکی مصوب کمیسیون‌های مجلسین رژیم قبل که دلالت بر جواز سقط جنین برای سلامت مادر دارد، چنین اظهار نظر کرده است: این ماده به طور اطلاق شرعی نیست و چون سقط جنین برای سلامت مادر صور مختلف دارد، باید موارد آن مشخص شود، مثلاً در مواردی که قبل از دمیده‌شدن روح در جنین یقین یا خوف عقلایی حاصل شود، به تلف مادر و توقف حفظ نفس او بر سقط جنین، در این حال که هنوز روح در او دمیده نشده است، جایز است و در مورد پس از دمیده‌شدن روح اگر امر دایر باشد، بین حفظ یکی از آن‌ها، به این صورت که اگر اقدامی نشود یا مادر جان به سلامت می‌برد یا جنین، سقط جنین برای حفظ جان مادر جایز نیست (۲۷). در مقابل این دسته از فقها، برخی دیگر حتی پس از ولوج روح نیز سقط را در مواقع ضرورت مجاز می‌دانند. برای مثال استفتائی از حضرت آیت‌ا... صانعی انجام شده است:

سؤال: یک ماه و نیم از حاملگی خانمی می‌گذرد، دکترها می‌گویند حاملگی برای مادر خطر جانی دارد و باعث فلج شدن وی خواهد شد، آیا سقط جنین برای چنین مادری جایز است؟ جواب: اگر ضرر و خطر جانی برای مادر دارد، قبل از دمیدن روح در جنین و حتی بعد از دمیدن روح نیز اسقاط اشکالی ندارد (۲۵)، ایشان مبنای فقهی این فتوا را بیان نکرده‌اند، ولی احتمالاً مبنای ایشان در این استفتاء، ادله جواز دفاع مشروع بوده که با الغای خصوصیت به طریق اولی شامل مورد مذکور هم می‌شود.

نگارنده معتقد است که در هر سه مورد فوق سقط جنین شرعاً جایز است و ادله مشروعیت دفاع مشروع همچون بنای عقلاً،

حکم عقل و سنت شامل هر سه مورد می‌شود، در اینجا به تبیین ادله مذکور می‌پردازیم:

۱- بنای عقلاً: بر مشروعیت و جواز سقط جنین از دیدگاه شرع و در جایی که جنین حیات مادر را به خطر انداخته، بدین نحو می‌توان استدلال نمود: می‌دانیم حق حیات ابتدایی‌ترین حق است که هر کس از آن برخوردار است. عقلای عالم از هر مذهب و آیین و نژادی که هستند، به کسی که حیات او مورد تهدید قرار گرفته، حق می‌دهند که با رعایت الاسهل فالاسهل از حیات خود صیانت نموده و دفاع کند، ولو منجر به تلف و هلاکت عامل تجاوز گردد. این سیره عقلا را شارع ردع و نهی نکرده و سکوت او در مقابل این سیره دلیل بر قبول و امضای آن است؛

۲- حکم عقل: از آیه ۱۹۵ سوره بقره «ولا تلقوا بأيديكم الى التهلكه» برمی‌آید که حفظ نفس واجب است و این از مسلمات و بدیهیات در شریعت اسلامی می‌باشد. حال در آنجایی که ادامه حیات جنین، حیات مادر را به خطر انداخته و دفع آن جز با سقط ممکن نیست، چنین سقطی مقدمه انجام آن واجب است و مقدمه واجب هم واجب است، بنا بر این سقط بر مادر جایز است؛

۳- سنت: اخبار چندی بر مشروعیت دفاع در مقابل تهاجم و اعتداء و عدم ضمان مدافع و هدر بودن خون متجاوز و البته به شرط رعایت الاسهل فالاسهل دلالت دارند، از جمله مرسله محمد بن ابی‌عمیر است که نزد فقها در حکم مسانید است و با عنایت به شهرت آن و مقبول بودن حدیث مذکور از حیث سند و دلالت، فقهای عظام از آن و دیگر روایات وجوب یا جواز دفاع و عدم ضمان در مقابل تهاجم محارب و لص را استفاده کرده‌اند (۲۸). محمد بن ابی‌عمیر با سند خود از حلبی و ایشان از امام صادق (ع) نقل می‌کنند که حضرت فرمودند: «هرگاه لص و محاربی بر تو وارد شد، او را بکش، خونسش بر گردن من» (۵)، یعنی در کشتن او مجازی و دیه هم ندارد، حال با عنایت به اینکه محارب و لص خصوصیت و موضوعیتی ندارند و ملاک رفتار ایشان، یعنی قصد جان انسان بی‌گناه می‌باشد، بنا بر این با الغای خصوصیت و تنقیح مناط می‌توان

گفت که مرسله ابن ابی‌عمیر شامل هر عاملی که حیات انسانی را به خطر انداخته و از جمله جنین نیز می‌شود.

در خصوص سقط جنین برای حفظ جان و حیات مادر در حقوق ایران، سقط جنین در مواردی که ادامه بارداری برای مادر خطر دارد را به موجب ذیل ماده ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ در هر مرحله از مراحل رشد آن جرم‌انگاری نموده و موردی را استثنا می‌کند و آن در جایی است که اقدامات انجام‌شده برای حفظ حیات مادر باشد. همچنین تبصره ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هرگاه جنینی که بقای آن برای مادر خطر جانی دارد، به منظور حفظ نفس مادر سقط شود، دیه ثابت نمی‌شود. از عموم و اطلاق هر دو ماده برمی‌آید که در حقوق ایران سقط جنین برای حفظ جان مادر چه پیش از ولوج روح و چه پس از آن جایز است.»

۲-۲. در معرض خطر بودن سلامتی مادر با بقای جنین:

گاهی بقای جنین موجب آسیب جسمانی جدی بر مادر می‌شود، مثلاً با ادامه بارداری احتمال دارد که مادر دچار ضایعه نخاعی شده و فلج گردد، آیا در این قبیل موارد سقط جایز است؟ مشهور فقها و از جمله امام خمینی چنین سقطی را جایز نمی‌دانند (۲۹)، ولی در مقابل برخی از فقها و از جمله آیت‌ا... صناعی بر جواز چنین سقطی تصریح کرده‌اند (۲۵). نگارنده معتقد است، چنین سقطی جایز است، چه جنین قبل از ولوج روح باشد و چه بعد از آن، با توجه به بنای عقلا، حکم عقل و سنت مبنی بر وجوب دفاع و عدم ضمان در مقابل تهاجم عواملی چون جنین که سلامت مادر را به خطر می‌اندازد، مادر حق دارد از سلامتی خود حمایت یا بهتر بگوییم دفاع کند و عموم ادله عقلی و شرعی بر وجوب حفظ نفس محترم دلالت دارد. در واقع از نظر فقهی ادله‌ای که دلالت بر جواز دفاع مشروع دارند، با الغای خصوصیت به طریق اولی شامل این مورد هم می‌شوند. بنابراین در جایی که حفظ و ادامه سلامتی او موکول به اسقاط جنین است، وی می‌تواند اقدام به سقط کند و این امر جایز است و دیه‌ای هم لازم نیست بپردازد.

و اما در حقوق ایران موضوع را در دو بازه زمانی پیش از ولوج روح و پس از ولوج روح مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱. پیش از ولوج روح: قوانین در رابطه با جواز سقط در مواقع به خطراتادن سلامتی مادر تصریحی ندارند، اما از آنجا که تحمل بیماری و نقص جسمانی، حرج شدید محسوب می‌شود، می‌توان گفت سقط به دلیل حرج شدید غیر قابل تحمل، جایز خواهد بود و این مورد مصداق بند «ج» ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰ است؛ ۲-۲-۲. پس از ولوج روح: با عنایت به اینکه قوانین مربوطه در خصوص این مرحله از رشد جنین ساکت هستند؛ بنابراین، مورد مذکور تحت عمومات و اطلاقات ادله‌ای که سقط را ممنوع اعلام کرده و جرم‌انگاری نموده‌اند، قرار می‌گیرد، بلکه حتی می‌توان گفت بند «ج» ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت با مفهوم مخالفش از این مورد نهی می‌کند، از این رو در حقوق ایران سقط جنین برای حفظ سلامتی مادر پس از ولوج روح جایز نیست. از نظر نگارنده در این مورد حقوق ایران قابل انتقاد است، زیرا ادله جواز دفاع مشروع در شریعت اسلامی با الغای خصوصیت و به طریق اولی شامل این مورد می‌شود. وجه اولویتش هم آن است که اگر شخصی ولو فرزند انسان بخواهد صدمه‌ای جسمانی به او وارد کند، در شریعت اسلامی، البته با ترتیب‌الاسهل فالاسهل اجازه دفاع و دفع این تجاوز داده شده، حتی اگر منجر به مرگ متجاوز شود (۳۰). بنابراین در جایی که خانمی می‌تواند انسان بالغ عاقل متجاوز را که سلامتی او را به خطر انداخته، از باب دفاع مشروع به قتل برساند، پس به طریق اولی می‌تواند حمل و جنینی را که در بطن دارد، برای حفظ سلامتی خود سقط کند. با عنایت به آنچه گفته شد، پیشنهاد نگارنده آن است که قانون باید اصلاح شود و این مورد نیز به موارد سقط درمانی اضافه شود.

۲-۳. در حرج شدید و غیر قابل تحمل قرارگرفتن مادر با بقای جنین: گاهی ادامه حاملگی موجب عسر و حرج و یا ضرر غیر قابل تحمل برای مادر است، آیا اسقاط جنین در فقه امامیه و حقوق ایران در چنین مواردی جایز است؟ برای مثال

در جایی که مطالعات بالینی و آزمایش‌های پزشکی نشان می‌دهند که مولود آینده، عقب‌افتاده یا ناقص‌الخلقه یا دارای بیماری غیر قابل علاج خواهد بود، ضمن پذیرش این مطلب که این بیماری‌ها بدو و ذاتاً حرج و مشقت شدید برای جنین به همراه دارد؛ ولی در عین حال حرج او به مادر که به حکم فطرت و شرع و قانون عهده‌دار نگهداری و حضانت و تربیت فرزند است نیز سرایت خواهد کرد و او نیز متحمل رنج روحی و مشقت اقتصادی و جسمی خواهد شد. به نظر می‌رسد بیماری و نقص جنین مصداق بارز سقط حرجی با منشأ بیرونی است و نسبت به مادر عامل بیرونی و خارجی محسوب می‌شود نه درونی و داخلی (۳۱). مورد دیگر آنجا که بارداری و حاملگی به جهت تجاوز به عنف بوده است. موارد مذکور مواردی است که حرجی شدید و غیر قابل تحمل بر مادر تحمیل می‌کند. آیا سقط جنین در چنین مواردی جایز است؟ آیا می‌توان با استناد به قاعده نفی حرج و نفی ضرر سقط جنین را در این موارد از نظر شرعی جایز دانست؟ برای پاسخ به سؤالات فوق ابتدا موضوع از دیدگاه فقهی بررسی و آنگاه به حقوق ایران پرداخته خواهد شد.

۲-۳-۱. بررسی حرج از حیث مبانی فقهی: حرج در لغت به معنی ضیق، تنگنا و گناه است (۳۲) و قاعده فقهی «لا حرج» یکی از قواعد مهم فقه اسلامی است که بر همه احکام اولیه با شرایطی حاکم است. خداوند متعال برای سروسامان‌دادن به زندگی ما انسان‌ها و رسیدن به کمالی که هدف از خلقت او بوده، قوانین و مقرراتی وضع نموده است و همگان را به رعایت آن‌ها دستور داده است، احکام مذکور عبث نبوده، بلکه متضمن جلب مصلحت و دفع مفسده و با عنایت به وسع و توان نوع انسان صادر شده است. عمل به این احکام از قبیل روزه‌داری و پرداخت زکات و اجتناب از ربا و روابط جنسی آزاد و... بی‌شک توأم با مشقت و زحمت است، ولی مشقت و رنجی که از خود فعل یا ترک آن ناشی شده و در وسع و توانایی نوع انسان بوده و قابل تحمل است. در عین حال و در مواردی به جهت عروض عناوین ثانویه، از قبیل ضرر و اضطرار و... و در شرایط استثنایی عمل به احکام شرعی برای

برخی از مکلفین دارای چنان رنج و مشقتی می‌شود که غیر قابل تحمل است، در این موارد شارع مقدس از باب امتنان و به حکم آیه شریفه «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج» الزام را برداشته است (۳۳)، از این فرایند در حقوق اسلامی تعبیر به حاکمیت قاعده لاجرح بر احکام اولیه و جعل احکام ثانویه می‌شود. حال در ما نحن فیه، یعنی جایی که زنی باردار است، قاعدتاً وی به حکم فطرت و عشق مادری و دستور شرع از جنین خود محافظت نموده تا زایمان و وضع حمل صورت گیرد، لکن در مواردی ادامه بارداری موجب حرج و مشقت شدید غیر قابل تحمل برای او خواهد بود، آیا در چنین مواردی سقط جنین و قطع بارداری برای این مادر جایز خواهد بود؟ مثل آنجایی که مولود آینده ناقص‌الخلقه است یا بارداری در نتیجه تجاوز به عنف بوده است؟

از حیث مبانی فقهی باید بین موارد سقط تفصیل داد، زیرا عسر و حرج و ضرر درجات و مراتبی دارد و سن جنین و مراتب رشد او نیز متفاوت است، پس در بعضی موارد جایز و در بعضی از موارد نیز جایز نیست. آری، قاعده نفی حرج یکی از قواعد مستند، توانمند و دامن‌دار فقه اسلامی است. این قاعده می‌تواند الزام احکام تکلیفی را بردارد. عموم این قاعده، همه احکام اولیه‌ای را که به دلیل عوارض خارجی مستلزم عسر و حرج شده‌اند، در بر می‌گیرد، بنابراین عدم اجرای آن نسبت به مورد، یعنی حرج ناشی از لزوم ادامه بارداری مولود ناقص‌الخلقه یا ناشی از تجاوز به عنف به مخصص و مقید نیاز دارد و چنین مخصص و مقیدی نیز وارد نشده است، زیرا استثنایی کلی که بر قاعده لا حرج وارد شده، تکالیفی است که شارع مقدس چنان توجهی به آن دارد که حتی در فرض عسر و حرج راضی به ترک آن نیست (۳۴). برای نمونه، شارع مقدس به حفظ نفس و جان آدمی چنان اهتمام می‌ورزد که به کسی اجازه نمی‌دهد، حتی با استناد به عسر و حرج مرتکب قتل انسانی شود. ممکن است گفته شود که سقط جنین نیز یک نوع قتل نفس است، بنابراین قاعده لا حرج به هیچ‌وجه نمی‌تواند حرمت آن را بردارد. در جواب باید بگوییم سقط جنین مترادف با قتل نفس و قتل انسان نیست (۳۳)، ضمن اینکه فقهای بزرگی همچون صاحب جواهر (۳۵) و آیت‌...

خوبی (۲۳) بر عدم صدق قتل انسان بر سقط جنین قبل از ولوج روح تصریح کرده‌اند، زیرا درست است که جنین منشأ انسان است و به خصوص پس از گذشت حدود ۴ ماه از حاملگی، اعضا و جوارح او تکمیل شده و ولوج روح صورت گرفته، ولی انسان کامل و مستقلاً نیست. از این رو در صدق قتل انسان بر سقط جنین در این حالت نیز تردید وجود دارد و از همین روی برخی از فقها همچون آیت‌... گلپایگانی (۳۶) و آیت‌... خوبی (۲۳) حکم به ثبوت دیه و عدم ثبوت قصاص داده‌اند؛ بنابراین نمی‌توان گفت که سقط جنین مثل قتل نفس از عمومات لا حرج و لاضرر استثناء شده است، پس با این حساب در مورد حاملگی‌های ناشی از تجاوز به عنف، حکم به لزوم ادامه حاملگی مستلزم ضرر حیثیتی و حرج عظیم برای زن است، به خصوص اینکه زن در اصل تشکیل نطفه رضایت نداشته است.

نگارنده معتقد است که جواز سقط در این مورد اختصاص دارد به قبل از ولوج روح و پس از گذشت حدود ۴ ماه از حاملگی و ولوج روح، سقط جایز نیست، زیرا هرچند مادر چنین حقی را داشته است، لکن در فرصت مناسب از این حق خود استفاده نکرده و پس از ولوج روح حق مادر برای سقط با حق جنین برای زنده ماندن تعارض پیدا کرده و حق او ساقط است، اما در آنجایی که طفلی ناقص‌الخلقه متولد می‌شود، هرچند زن در اصل تشکیل نطفه راضی بوده، ولی او انتظار فرزند سالم را داشته، بنابراین حکم به لزوم ادامه حاملگی مستلزم ضرر و حرج عظیم برای خانواده، جامعه و خود آن مولود است، بنابراین در این موارد قاعده لا حرج و لاضرر بر ادله احکام اولیه که دلالت بر حرمت سقط داشتند، مقدم هستند و سقط این‌گونه جنین‌ها به مصلحت خانواده، جامعه و بیش از همه خود طفل خواهد بود، چراکه تولد و نگهداری آنان هزینه‌های گزاف اقتصادی و روحی و عاطفی بر جامعه و خانواده آن‌ها تحمیل می‌کند و از طرفی زندگی این‌گونه افراد، در مدتی که زنده هستند، توأم با درد و رنج و مشقت فراوان خواهد بود.

در مورد حاملگی ناشی از زنا و زنا با محارم (نزدیکی بدون علقه زوجیت ولی با رضایت)، هرچند زن در حرج و مشقت

است، ولی این حرج و مشقتی است که زانیه برای خود فراهم آورده، لذا نمی‌تواند از این قواعد به نفع خود استفاده کند.

نکته پایانی در مورد حرج این است که در صورتی که مادری به علت داشتن چند فرزند و یا جهاتی دیگر در وضعیتی باشد که آمدن فرزند جدید او را به زحمت و مشقت اندازد، آیا سقط جنین در این شرایط جایز است؟ در پاسخ باید بگوییم که اولاً اگر ایشان اقدامات لازم را برای پیشگیری از بارداری به موقع انجام می‌داد حملی ایجاد نمی‌شد تا نیاز به سقط آن باشد؛ ثانیاً چنین مواردی عرفاً حرج شدید غیرقابل تحمل و جبران‌ناپذیر محسوب نمی‌شود و این موارد اصولاً از بحث حاضر خروج موضوعی دارند، به واقع یکی از مباحث اصلی نفی حرج و دشواری‌های عمل به این قاعده، مصداق‌شناسی آن است، مشقت و رنج و در تنگنا بودن تا چه حدی برسد مشمول قاعده می‌شود؟ آیا ملاک و معیار برای اعمال این قاعده حرج نوعی است یا حرج شخصی؟ بی‌شک حرج شخصی مراد است، اما به نظر می‌رسد در تشخیص حرج، ملاک نوعی بودن و یا شخصی بودن تنها کافی نیست، بلکه در این‌گونه موارد علاوه بر در نظر گرفتن حالات روحی و جسمی شخص در تشخیص عسر و حرج، باید دآوری عرف معقول را نیز در نظر گرفت (۳۷). حرج تنها اختصاص به وضعیت مشقت‌بار و دشواری دارد که قابل تحمل نباشد (۳۸)، بنابراین ناخرسندی‌ها و نگرانی‌های عادی و غیر اساسی که کمابیش در همگان ممکن است ایجاد شود یا سختی‌هایی که به حد اضطراب و مرحله غیر قابل تحمل نمی‌رسد، از حکم قانون خارج‌اند (۳۹-۴۰)، لذا مواردی چون تعداد بالای فرزندان، هزینه‌های نگهداری و تربیت فرزند، نداشتن برنامه قبلی برای داشتن فرزند، شاغل بودن زن و اموری از این قبیل، هرچند دارای سختی است، هیچ کدام مجوز سقط محسوب نمی‌شود. معیار دیگر حرج، صرفاً وضع مادر است نه پدر، بدین‌سان مشقات جسمی یا روانی یا اقتصادی پدر به خودی خود تأثیری در تجویز سقط ندارد، مگر آنکه به واسطه تأثیر بر وضع مادر، موجب حرج او شود (۳۱). تا اینجا بحث ما جنبه فقهی

داشت در اینجا لازم است موضوع را در حقوق ایران دنبال کنیم:

۲-۳-۲. سقط جنین به علت وجود حرج در حقوق ایران:
در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، سقط حرجی، از انحصار نقص یا عقب‌افتادگی جنین خارج شده و به طور کلی همه انواع متصور برای حرج را دربر گرفته است، چنانکه در بند «ج» قانون مزبور، نخست در بیان شرایط سقط حرجی، به طور مطلق آمده است: «وجود حرج (مشقت شدید غیر قابل تحمل) برای مادر، سپس به عنوان یکی از مصادیق سقط حرجی افزوده: وجود قطعی ناهنجاری‌های جنینی غیر قابل درمان، در مواردی که حرج مربوط به بیماری یا نقص در جنین است.» عبارت «در مواردی که... به روشنی نشان می‌دهد که حرج ممکن است موارد دیگری نیز داشته باشد و منحصر در بیماری جنین نیست. لزوم احراز جمیع شرایط یادشده در بند «ج» ماده ۵۶ به طور همزمان نیز منافاتی با این برداشت ندارد، زیرا قید «در مواردی که...» آشکارا بر انصراف آن از سایر موارد سقط دلالت دارد. در واقع این عبارت قیدی است که افزون بر شرایط عمومی سقط حرجی برای موارد سقط به دلیل بیماری و نقص جنین مقرر شده است (۳۱). تفاوتی در منشأ حرج از جهت روحی و جسمی وجود ندارد هر کدام به مرحله مشقت شدید غیر قابل تحمل برسد، کافی است، بنابراین اگر خانمی به علت بیماری روحی قادر بر ادامه بارداری نباشد (۳۱) یا زنی نتواند بارداری را به انتها برساند می‌تواند مصداق حرج به حساب آید. برای مثال در بارداری ناشی از تجاوز به عنف، منشأ حرج، رنج روحی مادر است نه جسم او. متقابلاً اگر خانمی به علت بیماری جسمی (بیماری پوستی تشدیدشونده با بارداری یا ضعف عضلانی دردآور در دوران بارداری) دچار مشقت شدید غیر قابل تحمل شود، منشأ حرج او جسمی است، به هر حال حکم قضیه یکسان است (۴۱). منشأ حرج گاهی درونی است، یعنی به وضعیت داخلی مادر بازمی‌گردد (اعم از آنکه خاستگاه آن جسم یا روح مادر باشد) و گاهی بیرونی و خارجی است (۴۱). در اینجا لازم است دو مورد از مهم‌ترین موارد حرج را به تفکیک در حقوق ایران دنبال کنیم.

۱-۲-۳-۲. سقط جنین در حقوق ایران و در مواردی که مولود آینده عقب افتاده یا ناقص الخلقه باشد: اگر پزشکان و متخصصین بگویند که مولود آینده ناقص الخلقه است، مثلاً دوقلوهای به هم چسبیده هستند، دو سر دارد یا عقب افتاده است یا مریض بوده و مریضی او هم غیر قابل علاج است، در این صورت آیا اسقاط حمل برای مادر جایز خواهد بود؟ پاسخ به این سؤال در حقوق ایران بستگی به آن دارد که سن جنین چه مقدار باشد؟ اگر جنین کمتر از ۴ ماه داشته و نشانه‌ها و امارات ولوج روح مفقود باشد، در این صورت بند «ج» ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰ صراحت دارد در صورت رضایت مادر چنین سقطی جایز است و در غیر این مورد مشمول عمومات و اطلاقات قوانینی می‌گردد که سقط را ممنوع اعلام کرده و جرم‌انگاری نموده‌اند. نگارنده معتقد است که قانون‌گذار باید این مورد را به طور صریح در قانون آورده و از حکم کلی ممنوعیت سقط استثنا کند، زیرا اولاً در رابطه با جنین‌هایی که به صورت ناقص الخلقه متولد می‌شوند، به اطلاقات و عمومات روایات نمی‌توان استناد کرد، زیرا تشخیص ناقص الخلقه بودن امری مستحدث است و در زمان معصومین (ع) سابقه نداشته است. از این روی روایات مذکور منصرف از این مورد هستند، پس مقدمات حکمت برای تمسک به اطلاق فراهم نیست؛ ثانیاً حکم به حرمت سقط در این موارد حکمی حرجی و ضرری بوده، لذا باید گفت که قاعده لا حرج و لاضرر بر ادله احکام اولیه‌ای که دلالت بر حرمت سقط دارند، مقدم است. توضیح اینکه مستفاد از قاعده لا حرج آن است که شارع حکمی را که موجب عسر و حرج و به تنگنا و مضیقه افتادن مکلفان باشد، جعل نکرده است. از این روی هرگاه حکمی در بعضی حالات بر اثر بروز عوارض خارجی معنوع به عنوان عسر و حرج باشد. به مقتضای قاعده لا حرج منتفی و از صفحه تشریح مرفوع است، با این حساب مرفوع و منفی نفس حکم حرجی است، چنانچه آیه ۷۸ حج ما جعل علیکم فی الدین من حرج به این مطلب تصریح دارد.

۲-۲-۳-۲. سقط جنین در حقوق ایران در جایی که بارداری ناشی از تجاوز به عنف است: آیا در صورتی که

حمل به دنبال تجاوز به عنف به وجود آمده سقط جایز است؟ این مورد بالصراحه در حقوق موضوعه مطرح نشده، اما با عنایت به اصول حقوقی می‌توان گفت که پاسخ به سؤال فوق بستگی به مراحل رشد جنین داشته و دو صورت دارد:

۱- قبل از چهار ماهگی: در صورتی که سن جنین کمتر از ۴ ماه بوده و نشانه و امارات ولوج روح نیز دیده نشود، با رضایت مادر سقط جایز است، زیرا مادر در حرج شدید بوده و مورد مصداق بند «ج» ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت خواهد بود. توضیح اینکه در بارداری ناشی از تجاوز به عنف منشأ حرج رنج روحی مادر است نه جسم او، چون زن قربانی تجاوز در اثر حاملگی از لحاظ روحی و روانی و معیشتی به خطرات و آسیب‌های جدی دچار می‌شود. تولد جنین که از عمل نامشروع فرد متجاوز منعقد شده و از لحاظ اصل و نسب، پدر مشخص و شرعی ندارد، در تمام طول زندگی به علت فقدان نسب مشروع و قانونی، دچار سختی‌های طاقت‌فرسا و آزار و اذیت‌های بسیار می‌گردد و برای زن موجب حرج است. همچنین اطلاع یافتن دیگران به ویژه بستگان نزدیک نسبت به تجاوز به عنف با ادامه حاملگی و تولد فرزندی که پدر وی معلوم نیست، در بسیاری از مواقع موجب شعله‌ور شدن آتش درگیری و اختلاف میان خانواده‌ها و قتل و خونریزی ناموسی می‌گردد و در کشور ما بسیار اتفاق افتاده است که با مطلع شدن پدر یا مادر یا دیگر بستگان زن نسبت به تجاوز یا زنا با ادامه حاملگی و تولد فرزندی که پدر وی معلوم نیست. از سوی دیگر در بسیاری از مواقع مرد متجاوز متواری و فقط بار سنگین مشکلات روحی و روانی طاقت‌فرسا و حضانت فرزند ناشی از تجاوز برای زن قربانی باقی می‌ماند و خوف خودکشی زن و از بین رفتن آبرو و حیثیت وی با ادامه حاملگی و عدم سقط جنین وجود دارد و بسیاری از این افراد از طرف نزدیکان تحت فشار قرار می‌گیرند تا جنین را سقط کنند، بنابراین به علت تمامی حالات مذکور عنوان ثانوی نفی عسر و حرج در اینجا بر دلیل‌های اولیه حرمت سقط جنین حاکم و مقدم است و در نتیجه سقط برای زن جایز می‌باشد (۴۲)؛

۲- بعد از چهار ماهگی: پس از چهار ماهگی سقط جایز نیست و عمومات و اطلاقات مواد قانونی که سقط جنین را جرم‌انگاری کرده‌اند، این مورد را پوشش می‌دهند.

نتیجه‌گیری

سقط جنین در مراحل از مراحل رشد و حیات جنین ممنوع است، اما این ممنوعیت استثنائاتی داشته و برای موارد استثنایی صور مختلفی قابل تصور است. از نظر فقهی در موردی که جان مادر با بقای جنین در خطر است، پیش از ولوج روح، فقها سقط را جایز دانسته و پس از ولوج روح در جواز و عدم جواز سقط، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد و سه حالت را در نظر می‌گیرند:

۱- در صورت ادامه بارداری هر دو خواهند مرد، اما اگر جنین سقط شود، مادر زنده می‌ماند که امام خمینی این سقط را جایز دانسته‌اند؛

۲- در صورت ادامه بارداری خطری برای جنین وجود ندارد، اما جان مادر در خطر است که اختلاف در جواز یا عدم جواز سقط وجود دارد؛

۳- در صورت ادامه بارداری هر دو خواهند مرد، اما امکان نجات یکی از آن دو وجود دارد، این مورد تراحم نامیده می‌شود و فقها اختلاف دارند بعضی سقط را به اعتبار تخییر جایز می‌دانند و بعضی به دلیل عدم وجود دلیل قوی در ترجیح یکی بر دیگری، سقط را جایز نمی‌دانند. به نظر نگارنده در هر سه مورد فوق سقط جایز است و ادله مشروعیت دفاع مشروع چون بنای عقلاً، حکم عقل و سنت شامل هر سه مورد می‌شود.

از نظر حقوق ایران به موجب ذیل ماده ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ سقط جنین در هر مرحله از مراحل رشد آن جرم‌انگاری شده، مگر در موردی که سقط جنین برای حفظ جان مادر ضروری باشد. به موجب تبصره ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هرگاه جنین که بقای آن برای مادر خطر جانی دارد، به منظور حفظ جان مادر سقط شود، دیه ثابت نمی‌شود. از عموم و اطلاق هر دو ماده برمی‌آید

که سقط جنین برای حفظ جان مادر، قبل و بعد از ولوج روح جایز است. اگر سلامت مادر با بقای جنین در خطر باشد، بین فقها در خصوص جواز و عدم جواز سقط جنین اختلاف نظر وجود دارد. در حقوق ایران، قانون در این خصوص صراحت ندارد، اما به نظر می‌رسد پیش از ولوج روح مصداق حرج و مشمول بند «ج» ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰ می‌باشد و سقط جایز است و پس از ولوج روح سقط جایز نیست که از نظر نگارنده قابل انتقاد است و به نظر سقط قبل از ولوج روح و پس از آن جایز می‌باشد، زیرا مادر حق دارد از سلامت خود دفاع کند و ادله‌ای که دلالت بر جواز دفاع مشروع دارد، با الغای خصوصیت به طریق اولی شامل مورد می‌شود. قاعده لاجرج بر احکام اولیه تحت شرایطی حاکم است و تنها استثنا، قتل است که به گفته فقهای چون صاحب جواهر و آیت‌ا... خوبی سقط جنین قتل محسوب نمی‌شود و از عمومات لاجرج و لاضرر استثنا نشده است و دو مورد از مهم‌ترین موارد حرج در حقوق ایران سقط جنین عقب‌افتاده (معلول ذهنی) و ناقص‌الخلقه و ناشی از تجاوز به عنف است که جنین ناقص‌الخلقه و عقب‌افتاده قبل از ولوج روح مصداق حرج و مشمول بند «ج» ماده ۵۶ فوق‌الذکر می‌باشد و سقط جایز است و بعد از ولوج روح ممنوع است که به نظر نگارنده چون تشخیص ناقص‌الخلقه بودن امری مستحدث است، منصرف از عموم روایات می‌باشد و سقط جایز است و در سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف قبل از ولوج روح جایز و بعد از ولوج روح جایز نیست. در مورد حاملگی ناشی از زنا و زنا با محارم به دلیل اینکه حرج را خود فراهم کرده، نمی‌تواند از این قواعد به نفع خود استفاده کند.

در پایان پیشنهاد می‌شود جهت اصلاح قوانین مربوطه ۳ تبصره به ماده ۶۲۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ افزوده شود: تبصره ۱: در موارد ذیل اسقاط جنین با حکم دادگاه و به درخواست مادر جایز است:

۱- سلامتی جسمانی مادر در مخاطره باشد؛

۲- جنین به صورت ناقص‌الخلقه یا دارای بیماری لاعلاج یا صعب‌العلاج و غیر قابل تحمل متولد شود؛

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

۳- بارداری در نتیجه تجاوز به عنف بوده و سن جنین کمتر از ۴/۵ ماه باشد؛

۴- وجود حرج و مشقت شدید غیر قابل تحمل برای مادر و عدم امکان جبران و جایگزینی برای آن، مشروط به آنکه سن جنین کمتر از ۴/۵ ماه باشد.

تبصره ۲: در تمام موارد مذکور برای جنین سقط‌شده دیه‌ای نخواهد بود.

تبصره ۳: رسیدگی به درخواست سقط فوری و خارج از نوبت خواهد بود.

تبصره ۴: در صورتی که بقای حیات مادر منوط به سقط جنین باشد، در این حالت برای سقط نیاز به مجوز و تقاضای مادر برای این امر وجود ندارد و این موضوع بر اساس مبانی فقهی و دیدگاه شرعی می‌باشد.

مشارکت نویسندگان

مژگان روزبهرانی: گردآوری منابع، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، نگارش مقاله.

امیر وطنی: گردآوری منابع، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، نگارش مقاله، راهنمایی و نظارت بر اجرای صحیح فرایند پژوهش. داده‌ها.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

1. Goodarzi F. Legal Medicine. 1st ed. Tehran: Einstein Publications; 1998. p.593. [Persian]
2. Al-Muhaqqiq al-Hilli J. Sharā'ī al-Islām fī masā'il al-Ḥalāl va l-Ḥarām. Qom: Ismailian Publications; 1988. Vol.2 p.283. [Arabic]
3. Al-Najafi M. Jawāhir al-Kalām fī sharḥ sharā'ī al-Islām. 2nd ed. Tehran: Al-Maktaba al-Islamiya Publications; 1987. p.381. [Arabic]
4. Al-Sheykh al-Hurr al-'Amili M. Tafṣīl wasā'il al-Shī'a ilā taḥṣīl masā'il al-Sharī'a. 5th ed. Tehran: Al-Maktaba al-Islamiya Publications; 2018. p.15. [Arabic]
5. Al-Sheykh al-Hurr al-'Amili M. Tafṣīl wasā'il al-Shī'a ilā taḥṣīl masā'il al-Sharī'a. 5th ed. Tehran: Al-Maktaba al-Islamiya Publications; 2019. p.372, 590. [Arabic]
6. Ahmadpour Bokhani A. Tahlil keyfari jorme seghte janin. Journal Law Research of Ghanonyar. 2020; 3(10): 25-43. [Persian]
7. Beheshti M. Family health and regulation. Tehran: Dr.Beheshti's Works and Thoughts Publishing Foundation Publications; 2011. p.50-52, 60, 84. [Persian]
8. Al-Kulayni M. Al-Kāfi. 5th ed. Qom: Dar al-Hadith Publications; 1984. Vol.7 p.347. [Arabic]
9. Abdollahi Kahré M. A criminological and analytical study of abortion from a legal and jurisprudential perspective. Journal of New Advances in Psychology, Training and Education. 2022; 5(50): 252-273. [Persian]
10. Al-Hali H. Muntaha Al-Muttalib. Mashhad: Astan al-Razwiyyah al-Maqdisah Publications; 1993. Vol.2. [Persian]
11. Al-'Allama al-Majlisi MB. Biḥār al-Anwār al-Jāmi'at li-Durar akhbār al-A'immat al-Athār. Beirut: Alofa Institute Publications; 1984. Vol.101. [Arabic]
12. Al-Sheykh al-Anṣārī M. al-Tahāra. Qom: The World Congress of Commemoration of Sheikh Azam Ansari Publications; 2014. [Arabic]
13. al-Sheykh al-Mufīd M. al-Muqni'a. Qom: Al-Nashar al-Islami, Affiliated to Jama'ah al-Madrasin Publications; 1989. [Arabic]
14. Ibn Barraj A. Al-Muhazb. Qom: Islamic Publications Office; 1985. Vol.2. [Arabic]
15. Saldar T. Langman's medical embryology, Translated by Arabi M, Reiszadeh F. 9th ed. Tehran: Taimurzadeh Publishing Institute Publications; 2004. p.95. [Persian]
16. Al-Shahid al-Thani Z. Al-Rawḍa al-Bahīyya fī sharḥ al-Lum'at al-Dimashqīyya. Beirut: Dar al-Alam al-Islami Publications; 1990. p.293. [Arabic]
17. Mousavi Bojunordi M. Legal thoughts (1): Family laws. 2nd ed. Tehran: Majd Publications; 2019. p.93. [Persian]
18. McLennan CH. A summary of midwifery. Translated by Sarvarbakhsh A, Talebzadeh H. Tabriz: Tabriz University Publications; 1976. [Persian]
19. Azizi F, Najafi Larijani H. Fiqh and Medicine: Medical manifestations of the Fatwas of his eminence Imam Khomeini (RA). 3rd ed. Tehran: Daftar-e Nashr-e Farhang-e Eslami Publications; 1995. p.70. [Persian]
20. Beizar Shirazi A. Family issues. Tehran: Farhang Islamic Publishing House Publications; 1995. p.101. [Persian]
21. Sistani A. Fiqh al-Maghrabi. London: Imam Ali Foundation Publications; 1994. p.278. [Arabic]
22. Makarem Shirazi N. Anvar al-Feqahah: Kitab al-Tijarah, al-Mekasib al-Muharramah. Tehran: Hedef Publications; 1999. p.57, 296. [Persian]
23. Khoei A. Basics of Takmal al-Minhaj. Qom: Imam Khoi Works Revival Institute Publications; 2001. Vol.2. p.13, 20, 503. Available at: <https://fa.wikifeqh.ir>. [Arabic]
24. Tabrizi J. Serat al-Nejat. Qom: Dar al-Siddiqah al-Shahidah Publications; 1996. Vol.1 p.233. [Arabic]
25. Saanei Y. Medical inquiries: Special rulings for doctors and patients. Qom: Maystam Temar Publications; 1998. p.80-81. [Persian]
26. Khomeini R. Tozih al-Masail. 2nd ed. Tehran: Institute for Compilation and Publications of Imam Khomeini's Works; 1993. [Persian]
27. Goldoziyan I. Special criminal law. 2nd ed. Tehran: Tehran University Press Publications; 1990. p.187. [Persian]
28. Al-Najafi M. Jawāhir al-Kalām fī sharḥ sharā'ī al-Islām. Tehran: Al-Maktaba al-Islamiya Publications; 1984. Vol.41. p.650. [Arabic]
29. Khomeini R. Esteftahat. 1st ed. Tehran: Orouj Publications; 2012. Vol.3. p.32-33, 281. [Persian]
30. Makki Ameli M (Shahīd al-Awwal). Al-Lum'ah al-Dimashqiyyah. Tahghig va Nashr: Awqaaq Hilli, Najm al-Din. Qom: Moassese Esmaeiliyan Publications; 2007. vol. 2. p. 102. [Arabic]

31. Shariati Nasab S. The Abortion Due to the Mother's Hardship, in the "Family and Youth of the Population's Protection" Act. Research in Deviance and Social Problems. 2022; 4(2): 127-157. [Persian]
32. Ibn Fars A. Mujam Maqayis al-Lughah. Qom: Moassese al-Nashr al-Islami Publications; 1985. p.242. [Arabic]
33. Mousavi Bojnourdi SM. Ghava'id feghiyeh. Tehran: Nashr Miad Publications; 1993. p.147, 631. [Arabic]
34. Khomeini R. Al-Rasael. 1st ed. Qom: Nashr Esmaeiliyan Publications; 1990. p.177. [Arabic]
35. Al-Najafi M. Jawāhir al-Kalām fī sharḥ sharā'ī al-Islām. 2nd ed. Tehran: Al-Maktaba al-Islamiya Publications; 1984. Vol.43 p.364. [Arabic]
36. Saafi Golpaygani A. Majmueh esteftaat feghi va royah ghazayi rajeh be ghol. Tehran: Entesharat Ferdowsi Publications; 2022. p.54. [Persian]
37. Keshvari E. The application of the rules of jurisprudence in law. Tehran: Ghias Publishing Publications; 1996. p.306. [Persian]
38. Mohaghegh Damad SM. Jurisprudential analysis of family law. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center Publications; 2006. p.371. [Persian]
39. Safai SH, Emami A. Summary of family law. 36th ed. Tehran: Mizan Publications; 2012. p.237. [Persian]
40. Gorji A, Safai SH, Araghi E, Emami A, Ghasemzadeh M, Sadeghi M, et al. Comparative study of family law, marriage and its dissolution. 13th ed. Tehran: University of Tehran Publishing and Printing Institute Publications; 2021. p.365. [Persian]
41. Asmani O, Khorsandian M, Mahmoodian F. An Investigation into the Practical Challenges of the Implementation of the Islamic Rules of Compulsion (Izterar), Denegation of Hard Duties (La Haraj) and Harming (La Darar) in the Therapeutic Abortion. Medical Figh. 2010; 2(3-4): 39-71. [Persian]
42. Hekmat F, Ghayumzadeh M, Heydari A. Examining the verdict of abortion in the case of rape based on the rule of negation of harm. Islamic Studies of Women and Family. 2022; 8(15): 141-158. [Persian]